



Critical Historiography, Informed Futuring: Bridging Foucauldian Genealogy and Futures Studies

Seyedeh Masoumeh Ahmadi

PhD Student, Department of Educational Management, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

Email: s_m_a57@yahoo.com

Ali Khalkhali

Associate Professor, Department of Educational Management, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

Email: selmj2024@gmail.com

Esmail Kazempour

Associate Professor, Department of Educational Management, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

Email: info@selmj.ir

Abstract

Understanding social phenomena in the complex contemporary world requires approaches capable of analyzing the multilayered dimensions of reality across time, from the past to the future. Through a systematic literature review conducted in accordance with the PRISMA 2020 protocol, this article introduces a qualitative multimethod framework that integrates thematic analysis, Foucauldian genealogy, and Causal Layered Analysis (CLA) within a unified analytical cycle. The primary objective is to address the question of how critical historiography can lead to informed futuring. Searches of Scopus, Web of Science, ERIC, SID, and MagIran identified 487 documents; following a two-stage screening process, only three key studies meeting the criteria for methodological integration were selected. These studies were Ahmadi et al. (2025) in Iran, van der Merwe (2024) in South Africa, and Wright (2002) in Japan. The findings indicate that this framework not only reveals hidden patterns of power, the coloniality of knowledge, and exclusion, but also prevents the repetition of ineffective models by grounding future scenarios in a critical understanding of the past and present realities, thereby enabling the design of more equitable, ethical, and context-aware futures. This approach moves research beyond the descriptive realm and transforms it into a process for reconstructing meaning, justice, and possibility.

Keywords: Foucauldian Genealogy, Futures Studies, Causal Layered Analysis (CLA), Critical Historiography, Informed Futuring, Qualitative Multimethod Research



گذشته نگاری انتقادی، آینده سازی آگاهانه: پیوند تبارشناسی فوکویی و آینده پژوهی

سیده معصومه احمدی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

Email: s_m_a57@yahoo.com

علی خلخالی

دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

Email: selmj2024@gmail.com

اسماعیل کاظم پور

دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

Email: info@selmj.ir

چکیده

درک پدیده‌های اجتماعی در جهان پیچیده معاصر مستلزم رویکردهایی است که بتوانند ابعاد چندلایه واقعیت را در بستر زمان از گذشته تا آینده تحلیل کنند. این مقاله با انجام یک مرور نظام‌مند ادبیات مبتنی بر پروتکل PRISMA 2020، چهارچوبی چندروشی کیفی را معرفی می‌کند که سه روش تحلیل مضمون، تبارشناسی فوکویی و تحلیل لایه‌ای علی (CLA) را در یک چرخه تحلیلی یکپارچه تلفیق می‌نماید. هدف اصلی پاسخ به این پرسش است که چگونه گذشته‌نگاری انتقادی می‌تواند به آینده‌سازی آگاهانه منجر شود. جست‌وجو در پایگاه‌های SID، ERIC، Web of Science، Scopus و MagIran منجر به شناسایی ۴۸۷ سند شد که پس از غربالگری دو مرحله‌ای، تنها سه مطالعه کلیدی واجد معیارهای تلفیق روش‌شناختی انتخاب گردیدند. این مطالعات شامل پژوهش احمدی و همکاران (۱۴۰۴) در ایران، ون در مرو (۲۰۲۴) در آفریقای جنوبی و رایت (۲۰۰۲) در ژاپن هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این چهارچوب نه تنها الگوهای پنهان قدرت، استعمار دانش و حذف‌شدگی را آشکار می‌سازد، بلکه با جلوگیری از تکرار الگوهای ناکارآمد، سناریوهای آینده را بر پایه درکی انتقادی از گذشته و واقعیت‌های کنونی بنا نهاده و آینده‌هایی عادلانه‌تر، اخلاقی‌تر و زمینه‌آگاه طراحی می‌کند. این رویکرد، پژوهش را از فضای توصیفی خارج کرده و آن را به فرایندی برای بازسازی معنا، عدالت و امکان تبدیل می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تبارشناسی فوکویی، آینده پژوهی، تحلیل لایه‌ای علی (CLA)، گذشته‌نگاری انتقادی، آینده‌سازی آگاهانه، روش‌شناسی چندروشی کیفی



مقدمه

تبارشناسی و آینده‌پژوهی، هر یک از زاویه‌ای متفاوت، به بررسی رابطه زمان، قدرت و تغییر در جوامع انسانی می‌پردازند. تبارشناسی، به‌ویژه در قالب فوکویی، به‌جای جست‌وجوی ریشه‌های «اصلی» یا «طبیعی»، بر گسست‌ها، تصادفات و مکانیسم‌های قدرت-دانش تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه مفاهیمی که امروزه «بدیهی» به نظر می‌رسند، حاصل فرایندهای تاریخی غیرخطی و رقابتی هستند (فوکو^۱، ۱۹۷۷؛ پل^۲، ۲۰۲۳؛ لورنزینی^۳، ۲۰۲۰). در مقابل، آینده‌پژوهی با هدف ترسیم سناریوهای ممکن، از طریق شناسایی روندها، نشانه‌ها و ضعف‌های ساختاری، به سیاست‌گذاری‌های بلندمدت کمک می‌کند (عنایت‌الله^۴، ۲۰۲۴؛ کریستوف و نواکی^۵، ۲۰۲۳). در ظاهر، این دو رویکرد یکی گذشته‌محور و دیگری آینده‌گرا در تقابل به نظر می‌رسند؛ اما درواقع، هر دو در خدمت فهم عمیق‌تر از «حال» قرار دارند. گذشته و آینده نه دو قطب جداگانه، بلکه دو سوی یک پیوستگی زمانی‌اند که در مرکز آن، واقعیت زنده کنونی شکل می‌گیرد.

باین‌حال، بسیاری از رویکردهای سنتی آینده‌پژوهی به‌ویژه آن‌هایی که بر پیش‌بینی فنی یا روندگرایی خطی استوارند از ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری گفتمان‌ها و ساختارهای قدرت غفلت می‌کنند. این نادیده‌گیری، خطر تکرار الگوهای سلطه‌گر، استعماری یا تکنولوژی‌محور را در طراحی آینده‌ها افزایش می‌دهد (سردار^۶، ۲۰۱۰؛ مبمبه^۷، ۲۰۱۹). همان‌طور که عنایت‌الله (۲۰۲۴) هشدار می‌دهد، «آینده‌هایی که از گذشته‌شان بی‌خبرند، به‌راحتی می‌توانند به گذشته‌هایی دیگر تبدیل شوند».

ازاین‌رو، شکاف میان نقد تاریخی و طراحی آینده، نیاز فزاینده‌ای به تلفیق هوشمند تبارشناسی فوکویی و آینده‌پژوهی انتقادی را آشکار می‌سازد. این نیاز در بستر تحولات معرفت‌شناختی قرن بیستم و اوایل بیست‌ویکم شکل گرفته است. چرخش‌های زبانی، فرهنگی و پست‌مدرن، مفهوم «علم عینی» را زیر سؤال بردند و نشان دادند که پدیده‌های انسانی در بافت‌های معنا، قدرت و

-
1. Foucault
 2. Paul
 3. Lorenzini
 4. Inayatullah
 5. Kristóf & Nováky
 6. Sardar
 7. Mbembe



گفتمان ساخته می‌شوند (دنزین و لینکلن^۱، ۲۰۲۴؛ گاتینگ^۲، ۲۰۰۵). در پاسخ، روش‌های کیفی از هرمنوتیک تا پدیدارشناسی و پس‌اساختارگرایی، به ابزارهایی برای کاوش تجربه زیسته، ساختارهای نهادی و دینامیک‌های قدرت تبدیل شدند. با این حال، پیچیدگی چالش‌های معاصر از بحران‌های اقلیمی و فناوری‌های هوش مصنوعی گرفته تا نابرابری‌های ساختاری و تحولات آموزشی ثابت کرده است که هیچ روش واحدی نمی‌تواند تمام ابعاد این واقعیت‌های چندلایه را در برگیرد (کرزول و پوث^۳، ۲۰۲۳؛ تشکری^۴ و همکاران، ۲۰۲۱).

در این چهارچوب، رویکردهای «چندروشی کیفی»^۵ به‌عنوان پاسخی مناسب ظهور کرده‌اند. «فلیک»^۶ (۲۰۲۲) و «مورس»^۷ (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که تلفیق منطق‌های تفسیری، قدرت‌شناختی و امکان‌گرایانه، امکان تحلیل هم‌زمان تجربه فردی، ساختارهای نهادی و گفتمان‌های فرهنگی را فراهم می‌آورد. این رویکرد، فراتر از مثلث‌سازی داده، به مثلث‌سازی معرفت‌شناختی دست می‌یابد و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا واقعیت را نه به‌عنوان یک کل ثابت، بلکه به‌عنوان فرایندی پویا و چندصدا در نظر بگیرد.

براین اساس، این مقاله چهارچوبی چندروشی کیفی را معرفی می‌کند که سه روش را در یک چرخه تحلیلی یکپارچه تلفیق می‌کند:

۱. تحلیل مضمون برای فهم دیدگاه‌های ذی‌نفعان در حال حاضر؛

۲. تبارشناسی فوکویی (برای کاوش روابط قدرت و تحولات تاریخی گفتمان‌ها)؛

۳. تحلیل سطوح علی برای طراحی سناریوهای آینده‌نگر و انتقادی.

این چهارچوب، با بررسی ریشه‌های تاریخی ساختارهای کنونی، نه تنها الگوهای پنهان قدرت و حذف‌شدگی را آشکار می‌سازد، بلکه از تکرار الگوهای ناکارآمد جلوگیری کرده و سناریوهایی را طراحی می‌کند که بر درکی انتقادی از گذشته و واقعیت‌های کنونی استوارند. شواهد اخیر از کاربرد این رویکرد در مدیریت آموزشی (احمدی و همکاران، ۱۴۰۴) برنامه‌ریزی پس‌استعماری،

1. Denzin & Lincoln

2. Gutting

3. Creswell & Poth

4. Tashakkori

5. Qualitative Multimethod Research

6. Flick

7. Morse

(ون در مرو^۱، ۲۰۲۴) و احیای جوامع پسا صنعتی (رایت^۲، ۲۰۰۲) نشان می‌دهد که چنین تلفیقی، سناریوها را نه تنها کاربردی تر، بلکه عدالت محورتر و اخلاقی تر می‌سازد (عنایت‌الله و میلوویچ^۳، ۲۰۲۳).

در نهایت، این مقاله استدلال می‌کند که آینده پژوهی بدون نقد تاریخی، خطر تکرار ساختارهای سلطه گر را در خود دارد و نقد تاریخی بدون آینده نگری، ممکن است به تمرینی اندوه بار و بی ثمر تبدیل شود. پیوند هوشمند این دو، پژوهش را از فضای توصیفی خارج کرده و آن را به فرایندی برای بازسازی معنا، عدالت و امکان تبدیل می‌کند فرایندی که نه تنها آینده را پیش بینی می‌کند، بلکه آن را قابل بازتعریف می‌سازد.

همچنین پرسش محوری این مطالعه به این صورت تدوین شد:

چگونه تلفیق تبارشناسی فوکویی و تحلیل لایه ای علی، در همراهی با تحلیل مضمون به عنوان لایه ای تفسیری، می‌تواند چهارچوبی روش شناختی برای آینده پژوهی انتقادی فراهم آورد؟
راهبرد جست و جو

جست و جوی ادبیات در پنج پایگاه داده علمی شامل Scopus، Web of Science، ERIC، SID و Magiran در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۴۰۴ انجام شد. از ترکیب کلیدواژه های مرتبط با حوزه های «تبارشناسی فوکویی»، «تحلیل لایه ای علی»، «آینده پژوهی»، «تحلیل مضمون»، «مدیریت آموزشی» و «تحولات اجتماعی» استفاده گردید. جست و جو با به کارگیری «عملگرهای بولی»^۴ و با رعایت اصول جست و جوی سیستماتیک طراحی شد.

معیارهای ورود و خروج

معیارهای ورود عبارت بودند از:

- مطالعاتی که به صورت صریح از تلفیق تبارشناسی فوکویی و تحلیل سطوح علی (ترجیحاً همراه با تحلیل مضمون) استفاده کرده باشند؛
- انتشار در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵؛

1. van der Merwe

2. Wright

3. Inayatullah & Milojević

4. Boolean operators



- نگارش به زبان فارسی یا انگلیسی؛
 - دسترسی کامل به متن؛
 - تمرکز موضوعی بر آموزش، مدیریت آموزشی، برنامه درسی یا تحولات اجتماعی.
- معیارهای خروج شامل: مطالعات تک‌روشی، مرورهای غیرسیستماتیک، سرمقاله‌ها، کتاب‌ها و همچنین پژوهش‌های کمی یا ترکیبی کمی-کیفی بود.

۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک «مرور نظام‌مند ادبیات»^۱ است که براساس پروتکل استاندارد PRISMA 2020 (پیج^۲ و همکاران، ۲۰۲۱) طراحی و اجرا گردید. هدف اصلی، بررسی چگونگی تلفیق «تبارشناسی فوکویی»^۳ و تحلیل سطوح علی در چهارچوبی چندروشی کیفی بود که از طریق گذشته‌نگاری انتقادی، زمینه‌ساز آینده‌سازی آگاهانه در حوزه‌های آموزشی و اجتماعی باشد.

۱-۱. فرایند غربالگری

غربالگری اسناد در دو مرحله و توسط دو پژوهشگر مستقل انجام شد. در صورت عدم توافق، نظر پژوهشگر سوم به‌عنوان رأی تعیین‌کننده در نظر گرفته شد؛ در مرحله اول، ۴۸۷ سند شناسایی شد. پس از حذف ۳۱۲ مورد تکراری، ۱۷۵ سند برای غربالگری اولیه (عنوان و چکیده) باقی ماند. از این میان، ۵۴ مطالعه به‌دلیل عدم ارتباط با معیارهای ورود حذف شدند و ۱۲۱ مقاله برای بررسی متن کامل وارد مرحله بعد گردید.

در نهایت، تنها ۳ مطالعه معیارهای لازم برای تلفیق روش‌شناختی را داشتند و به‌عنوان مطالعات کلیدی انتخاب شدند.

این فرایند سیستماتیک، پایه‌ای روش‌شناختی محکم برای معرفی چهارچوب سه‌گانه کیفی شامل تحلیل مضمون، تبارشناسی فوکویی و تحلیل لایه‌ای علی به‌عنوان یک الگوی کاربردی و انتقادی در آینده‌پژوهی فراهم آورد.

1. Systematic Literature Review

2. Page

3. Foucauldian Genealogy

۲-۱. متد چندروشی کیفی

این پژوهش یک چهارچوب روش‌شناختی چندروشی کیفی معرفی می‌کند که تحلیل مضمون، تبارشناسی فوکویی و تحلیل سطوح علی را در یک چرخه تحلیلی یکپارچه تلفیق می‌نماید تا پدیده‌های پیچیده اجتماعی-آموزشی را از سه بُعد حال (تفسیری)، گذشته (انتقادی) و آینده (امکان‌گرا) بررسی کند. این رویکرد، با مثلث‌سازی روش‌شناختی، اعتبار یافته‌ها را افزایش داده و از تفسیرهای تک‌بعدی جلوگیری می‌کند (دنزین^۱، ۲۰۱۲؛ کرسول و پوث^۲، ۲۰۱۸). تحلیل مضمون براساس چهارچوب آتراید-استرلینگ (آتراید-استرلینگ^۳، ۲۰۰۱) به‌عنوان لایه تفسیری حال عمل می‌کند و داده‌های کیفی (مصاحبه، اسناد، گزارش‌های میدانی) را به مضامین معنادار تبدیل می‌نماید. برای مثال، در آموزش دیجیتال، مضامینی مانند «شکاف دسترسی» یا «کاهش تعامل انسانی» استخراج می‌شوند (سلوین^۴، ۲۰۲۲). پیشرفت‌های اخیر با هوش مصنوعی برای کدگذاری خودکار (مانند NVivo AI) دقت را افزایش داده، اما تفسیر انسانی برای جلوگیری از تقلیل‌گرایی ضروری است (اوکین^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). تبارشناسی فوکویی (فوکو^۶، ۱۹۷۷) به‌عنوان لایه انتقادی گذشته، ریشه‌های تاریخی مضامین را ردیابی کرده و نشان می‌دهد چگونه روابط قدرت-دانش مفاهیم را بر ساخته‌اند. برای نمونه، نگرانی از «کاهش تعامل انسانی» را می‌توان از چاپ کتاب (متمرکزسازی دانش) تا پلتفرم‌های آنلاین (داده‌سازی تعامل) دنبال کرد (پاول^۷، ۲۰۲۳). این روش، با کاوش گسست‌ها، از روایت‌های پیشرفت‌گرایانه پرهیز می‌کند (تامبوکو^۸، ۲۰۱۹). تحلیل سطوح علی (عنایت‌الله^۹، ۱۹۹۸) به‌عنوان لایه امکان‌گرای آینده، پدیده را در چهار سطح بررسی می‌کند:

❖ لیتانی: روایت‌های سطحی (مثلاً فناوری آموزش را متحول می‌کند)؛

❖ ساختاری: نهادها و سیاست‌ها (دیجیتال‌سازی اجباری)؛

-
1. Denzin
 2. Creswell & Poth
 3. Attride-Stirling
 4. Selwyn
 5. O'Kane
 6. Foucault
 7. Paul
 8. Tamboukou
 9. Inayatullah



❖ گفتمانی: جهان‌بینی‌ها (آموزش = رقابت جهانی)؛

❖ اسطوره‌ای: تمثیل‌های عمیق (دانش = رهایی).

تحلیل سطوح علی با استفاده از خروجی‌های دو لایه پیشین، سناریوهای تحول‌آفرین طراحی می‌کند، مانند «همکاری انسان-ماشین» یا «آموزش به‌عنوان زیست‌بوم اخلاقی (عنایت‌الله، ۲۰۲۴). هم‌افزایی سه روش ریشه در نیاز به تحلیل چندبُعدی دارد: تحلیل مضمون به سنت هرمنوتیکی (ریکور،^۱ ۱۹۸۱)، تبارشناسی به نقد پس‌اساختارگرا (فوکو، ۱۹۷۷) و تحلیل سطوح علی به آینده‌پژوهی انتقادی (عنایت‌الله، ۱۹۹۸) متصل است. این چرخه (حال، گذشته، آینده) نه‌تنها ساختارهای قدرت را نقد می‌کند، بلکه آینده‌هایی مسئولانه، عادلانه و انسانی می‌سازد بوسی،^۲ ۲۰۲۳؛ مطالعات آینده‌پژوهی تبارشناختی^۳، ۲۰۲۴). مطالعات اخیر تأیید می‌کنند که این تلفیق در حال گسترش است (دو دهه تحلیل لایه‌ای علت‌ها،^۴ ۲۰۲۴).

۲. مطالعات موردی اول

پژوهش «تحول‌شناسی نظریه‌های رشته مدیریت آموزشی در بستر تحولات فناورانه»، یک رساله دکتری است که به‌صورت چندلایه به بازکاوی ریشه‌های گفتمانی، تبیین تحولات مضمونی و ترسیم چشم‌اندازهای آینده‌نگر در نظریه‌پردازی مدیریت آموزشی در تعامل با فناوری‌های نوین می‌پردازد. این پژوهش در چهارچوب پارادایم تفسیرگرایی انتقادی جای گرفته و بر پایه‌ای استقرایی و تلفیقی از سه منطق معرفت‌شناختی تفسیری، قدرت‌شناختی و امکان‌گرایانه شکل یافته است.

روش‌شناسی این پژوهش بر رویکرد چندروشی کیفی استوار است؛ یعنی به‌جای اتکا به یک روش واحد، از تلفیق سه روش تحلیلی مکمل تحلیل مضمون، تبارشناسی فوکویی و تحلیل سطوح علی استفاده شده تا پدیده پیچیده «تحول نظریه‌پردازی در بستر فناوری» از سه بُعد توصیفی-تفسیری (حال)، تاریخی-انتقادی (گذشته) و آینده‌پژوهانه (آینده) به‌صورت عمیق و

1. Ricoeur

2. Bussey

3. Genealogical Futures Studies

4. Two Decades of Causal Layered Analysis

جامع بررسی شود. این تلفیق نه تنها اعتبار و عمق تحلیل را افزایش می‌دهد، بلکه افقی نوین برای پژوهش‌های آینده در حوزه‌های میان‌رشته‌ای فراهم می‌کند.

در مرحله نخست، تحلیل مضمون براساس چهارچوب آتراید-استرلینگ (۲۰۰۱) به کار گرفته شد تا مضامین معنایی در گفتمان‌های صاحب‌نظران شناسایی گردند. فرایند تحلیل شامل استخراج پاره‌گفت‌ها، کدگذاری به مضامین پایه، تلفیق آن‌ها در مضامین سازنده و در نهایت شکل‌گیری مضامین فراگیر بود تا دستگاه مفهومی پنهان در دیدگاه‌های مرتبط با تحولات فناورانه در مدیریت آموزشی آشکار شود. نوآوری روش‌شناختی این مرحله، استفاده از داده‌های تولیدشده توسط عامل‌های هوش مصنوعی بود که برای نخستین بار در حوزه مدیریت آموزشی به کار گرفته شد. در مرحله دوم، تحلیل تبارشناسانه فوکویی به جای جست‌وجوی ریشه‌های خطی، بر رویدادهای گسسته، سازوکارهای قدرت-دانش و گفتمان‌های شکل‌دهنده به نظریه‌های مدیریت آموزشی تمرکز کرد. یافته‌ها نشان داد که مفاهیمی به‌ظاهر «طبیعی» مانند نقش مدیر یا ساختار مدرسه حاصل فرایندهای تاریخی، سیاسی و گفتمانی در تعامل با قدرت هستند و غلبه سنت‌های غربی-صنعتی، استقلال معرفتی رشته مدیریت آموزشی را به چالش کشیده است.

در مرحله سوم، تحلیل لایه‌ای علی براساس چهارچوب عنایت‌الله (۱۹۹۸) به‌عنوان روش آینده‌پژوهانه به کار گرفته شد و داده‌ها در چهار لایه تحلیل شدند:

- ❖ لیثانی: روایت‌های سطحی مانند «شتاب مدرسه هوشمند»؛
- ❖ ساختاری: نهادها و سیاست‌ها مانند هژمونی پلتفرم‌های آموزشی؛
- ❖ گفتمانی: جهان‌بینی‌ها و زبان‌های معناکننده مانند چیرگی گفتمان الگوریتمی؛
- ❖ اسطوره‌ای: تمثیل‌های فرهنگی مانند «مدرسه به‌مثابه مغز گسترش‌یافته».

خروجی این تحلیل، سناریوهای معناگرایانه نه پیش‌بینی‌های قطعی بود که افق‌های ممکن برای آینده مدیریت آموزشی را گشود. چرخه تحلیلی به‌صورت یکپارچه از تحلیل مضمون (حال) به تبارشناسی (گذشته) و سپس به تحلیل سطوح علی (آینده) جریان یافت.

یکی از نوآوری‌های برجسته این پژوهش، جایگزینی مصاحبه با افراد واقعی با عامل‌های هوشمند دیجیتال به‌عنوان منابع داده کیفی بود. در این راستا، ۴۷ عامل هوش مصنوعی به‌عنوان نماینده نظریه‌پردازان کلیدی مدیریت آموزشی در یک قرن گذشته و ۱۷ عامل بین‌رشته‌ای از



حوزه‌های فلسفه فناوری، آینده‌پژوهی و آموزش طراحی شدند. فرایند «تربیت» این عامل‌ها از طریق تغذیه مدل زبانی (ChatGPT) با متون معتبر، آثار پژوهشی و زیست‌نامه‌های فکری اندیشمندان انجام گرفت تا پاسخ‌هایی خودمختار و اصیل در چهارچوب سنت‌های نظری از پوزیتیویسم تا پسامدرن تولید شوند. این رویکرد، با حفظ تعادل بین خودمختاری عامل و نظارت انسانی، محدودیت‌های جغرافیایی، زمانی و دسترسی را برطرف کرد و مثلث‌سازی گسترده دیدگاه‌ها را ممکن ساخت. همچنین، مفهوم «کنشگر گفتمانی» را از انسان فیزیکی به هر موجود تولیدکننده معنا گسترش داد.

یافته‌های کلیدی نشان داد که مدیریت آموزشی سنتی تحت سلطه سنت‌های غربی، صنعتی و خطی شکل گرفته و فاقد استقلال معرفتی است؛ هم‌زمان با غیبت سیستماتیک گفتمان فناوری‌بنیاد به عنوان یک شکل از امتناع گفتمانی. در عصر دیجیتال، فناوری دیگر یک ابزار خنثی نیست، بلکه به عنوان عاملی فعال در ساخت قدرت، دانش و معنا عمل می‌کند و مفاهیم کلیدی را دگرگون ساخته است:

مدیر از مجری برنامه به تسهیلگر تعاملی انسان الگوریتم تبدیل شده است، مدرسه از نهادی سلسله‌مراتبی به زیست‌بومی پویا برای یادگیری تغییر یافته است. چهار مضرب کلیدی تحول‌شناسایی شد: عاملیت فناورانه، شبکه‌ای شدن، داده‌محوری اخلاقی و توانمندسازی یادگیرنده. همچنین، چهار سناریوی آینده استخراج گردید:

❖ مدیریت به عنوان شبکه تعاملی؛

❖ هم‌زیستی با الگوریتم‌ها؛

❖ سلطه قدرت داده‌محور؛

❖ مقاومت در برابر استعمار فناورانه.

این پژوهش، نقطه عطفی در نظریه‌پردازی آموزشی محسوب می‌شود و چهارچوبی نظری و عملی برای بازتعریف مدیریت آموزشی در عصر دیجیتال ارائه می‌دهد که بر عدالت، اخلاق، مشارکت و هم‌زیستی انسان-فناوری تأکید دارد. روش‌شناسی چندروشی آن نیز الگویی قابل تعمیم برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای آینده فراهم می‌آورد.

۳. مطالعه موردی دوم

پژوهشی با عنوان «ساخت یک روش تبارشناسانه فوکویی برای تحلیل برنامه درسی به مثابه گفتمان در آفریقای جنوبی»^۱ که در سال ۲۰۲۴ منتشر شده، برنامه درسی را به عنوان یک سازه گفتمانی در آموزش عالی آفریقای جنوبی پس از آپارتاید بررسی می کند (راخ ون در مرو، ۲۰۲۴). این مطالعه با روش شناسی ترکیبی چندلایه و نوآورانه، برنامه درسی رشته کاردرمانی در آموزش عالی آفریقای جنوبی پس از آپارتاید را به عنوان یک گفتمان برساخته قدرت تحلیل می کند. تبارشناسی فوکویی با یک فرایند ۱۰ مرحله ای دقیق (الهام گرفته از دین و هکینگ) بر شناسایی گسست های تاریخی، تداوم های نهادی و روابط قدرت-دانش تمرکز دارد؛ تحلیل مضمون بر اساس چهارچوب آتراید-استرلینگ (۲۰۰۱) داده های کیفی- شامل اسناد رسمی برنامه درسی و مصاحبه های نیمه ساختاریافته - را از طریق کدگذاری باز به مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر تبدیل می کند و الگوهایی مانند نژادپرستی نهفته، سلطه بیومدیکال و حذف فرهنگی را آشکار می سازد؛ در نهایت، تحلیل سطوح علی داده ها را در چهار لایه (لیتانی: شعارهای سطحی فراگیری، ساختاری: مدیریت دانشگاهی و تأمین مالی، گفتمانی: پسااستعماری در برابر نئولیبرال، اسطوره ای: آموزش = رهایی-کنترل) سازمان دهی کرده و چهار سناریوی بدیل آینده طراحی می کند: کنترل محور (تداوم نئولیبرالیسم)، پسااستعماری (اولویت دانش بومی)، تکه تکه شدن (نابرابری فزاینده) و هم آفرینی (تلفیق دانش بومی، فناوری و مشارکت دانشجویی). این تلفیق هوشمندانه، نقد تاریخی را با چشم انداز تحول آفرین پیوند می دهد و چهارچوبی عملی برای بازسازی برنامه درسی عادلانه و غیراستعماری ارائه می کند.

۴. مطالعه موردی سوم

پژوهش با عنوان «کاربرد فوکو در تحلیل لایه ای آینده نگر در یک جامعه ژاپنی پس از حباب اقتصادی»^۲ نمونه ای قوی از تلفیق تبارشناسی فوکویی با تحلیل سطوح علی و تحلیل مضمون

1. Crafting a Foucauldian Genealogy Method for Analyzing Curriculum-as-Discourse

2. Rauch van der Merwe

3. Applying Foucault to a Future-Oriented Layered Analysis in a Post-Bubble Japanese Community



برای تحلیل گفتمان‌های آموزشی در زمینه‌ای پسااستعماری است. (رایت^۱، ۲۰۰۲) دقت روش‌شناختی، زمینه اخلاقی و تمرکز بر آینده‌های تحول‌آفرین آن را به یک مطالعه موردی ارزشمند برای بررسی چالش‌های پیچیده آموزشی تبدیل می‌کند، به‌ویژه در زمینه‌هایی که تاریخ و فناوری با آموزش تلاقی دارند،

این پژوهش پیشگام و میان‌رشته‌ای با روش‌شناسی ترکیبی پسااستعمارگرا، آینده جامعه محلی آشبیتسو در ژاپن پس از فروپاشی حباب اقتصادی دهه ۱۹۹۰ را بررسی می‌کند. تبارشناسی فوکویی با تمرکز بر رویدادهای گفتمانی و مکانیسم‌های نظارت (مانند پانوپتیسیسم در مدیریت صنعتی) هویت جامعه را از دوران صنعتی تا پسا صنعتی ردیابی می‌کند؛ تحلیل مضمون (به‌صورت ضمنی و تفسیری) داده‌های غنی از کارگاه‌های مشارکتی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با رهبران و ساکنان و اسناد تاریخی را از طریق کدگذاری باز به مضامین کلیدی مانند رکود اقتصادی، تاب‌آوری فرهنگی، ناامیدی جمعی و عاملیت جامعه تبدیل می‌کند؛ در نهایت، تحلیل سطوح علی‌به‌عنوان یکی از اولین کاربردهای آن در آینده‌پژوهی مسائل را در چهار لایه سازمان‌دهی می‌کند: لیتانی: کاهش جمعیت و بیکاری؛ ساختاری: وابستگی به مدل‌های صنعتی منسوخ؛ گفتمانی: مدرنیزاسیون در برابر حفظ فرهنگی، اسطوره‌ای: جامعه = کارخانه - جامعه = خانواده و براین اساس چهار سناریوی بدیل آینده طراحی می‌کند: تداوم صنعتی (رکود بیشتر)، احیای فرهنگی (ابتکارات محلی)، فروپاشی اجتماعی (تکه‌تکه شدن) و هم‌زیستی زیست‌فرهنگی (مدیریت مشارکتی و پایداری). این رویکرد، نقد تاریخی را با آینده‌پژوهی مشارکتی و توانمندساز تلفیق کرده و الگویی قدرتمند برای احیای جوامع پسا صنعتی و تحولات آموزشی مبتنی بر جامعه ارائه می‌دهد.

۵. یافته‌های پژوهش

بررسی سه مطالعه موردی احمدی و همکاران (۱۴۰۴)، راخ ون در مرو (۲۰۲۴) و رایت (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که رویکرد «چندروشی کیفی»^۲ به‌عنوان یک راهبرد روش‌شناختی پیشرفته، در پژوهش‌های انتقادی و آینده‌نگر جایگاهی محکم یافته است. هرچند این مطالعات در زمینه‌های

1. Wright

2. Qualitative Multimethod Research

موضوعی متفاوتی مدیریت آموزشی، برنامه درسی پسااستعماری و تحولات جامعه پسا صنعتی انجام شده‌اند؛ اما از نظر روش شناختی، ساختاری همگرا و هوشمندانه دارند.

هم‌گرایی اصلی در تلفیق سه روش کیفی - تحلیل مضمون (براساس چهارچوب آتراید-استرلینگ)، تبارشناسی فوکویی و تحلیل سطوح علی است که به صورت یک چرخه تحلیلی یکپارچه عمل می‌کند: تحلیل مضمون به عنوان بنیان توصیفی-تفسیری (حال)، تبارشناسی به عنوان ابزاری برای نقد تاریخی-انتقادی (گذشته) و تحلیل سطوح علی به عنوان راهبردی برای طراحی سناریوهای آینده‌نگر (آینده). این تلفیق، فراتر از مثلث‌سازی داده، مثلث‌سازی منطق‌های معرفت‌شناختی، تفسیری، قدرت‌شناختی و امکان‌گرایانه را فراهم می‌آورد.

باین حال، تمایزهای روش‌شناختی نیز قابل توجه است. مطالعه ایرانی با به کارگیری عامل‌های هوشمند دیجیتال به عنوان منابع داده کیفی، مرزهای «کنشگر گفتمانی» را از انسان فیزیکی به موجودات غیرانسانی تولیدکننده معنا گسترش داده است چیزی که در دو مطالعه دیگر دیده نمی‌شود. مطالعه آفریقایی جنوبی، با تأکید بر عدالت پسااستعماری، تلفیق روش‌ها را در خدمت بازسازی دانش بومی قرار داده است؛ درحالی‌که مطالعه ژاپنی، رویکردی مشارکتی و جامعه‌محور را در ترکیب با تبارشناسی فوکویی به کار گرفته و تحلیل سطوح علی را به ابزاری برای توانمندسازی محلی تبدیل کرده است.

این تطبیق نشان می‌دهد که چهارچوب چندروشی کیفی، نه یک الگوی ثابت، بلکه ساختاری انعطاف‌پذیر است که می‌تواند با توجه به زمینه فرهنگی، تاریخی و اجتماعی، شکل‌های متفاوتی بگیرد، درحالی‌که همچنان وفادار به منطق چندلایه بودن و انتقادی بودن باقی می‌ماند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این مقاله با تأکید بر پیوند تبارشناسی فوکویی و آینده‌پژوهی، استدلال می‌کند که درک پدیده‌های اجتماعی در جهان پیچیده معاصر مستلزم ترکیب نقد تاریخی با طراحی آینده‌های جایگزین است. آینده‌پژوهی بدون نقد تاریخی، خطر تکرار الگوهای سلطه‌گر را در خود دارد و نقد تاریخی بدون آینده‌نگری، ممکن است به یک تمرین اندوه‌بار و بی‌ثمر تبدیل شود. پیوند هوشمند این



دو در چهارچوبی چندروشی، نه تنها امکان تحلیل عمیق‌تر را فراهم می‌کند، بلکه پژوهش را به فرایندی برای بازسازی معنا، عدالت و امکان تبدیل می‌نماید.

براین اساس، پیشنهادهای کلان زیر مطرح می‌شود:

✓ گسترش چهارچوب چندروشی کیفی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، به‌ویژه در حوزه‌هایی که با بحران‌های ساختاری (مانند نابرابری، استعمار دانش یا تحولات فناورانه) روبه‌رو هستند.

✓ تأکید بر زمینه‌های بومی در کاربست این چهارچوب، به‌گونه‌ای که از روش‌شناختی غرب‌محور فراتر رفته و به‌سوی دانش‌آفرینی چندصدایی و فرهنگ‌آگاه گام برداشته شود.

✓ توسعه روش‌های نوین جمع‌آوری داده - ازجمله استفاده مسئولانه از فناوری‌های هوش مصنوعی - در چهارچوب‌های کیفی، با رعایت موازنه بین نوآوری و اعتبار اخلاقی.

✓ در نهایت، آینده روش‌شناسی کیفی نه در انزوا و تک‌رویی بلکه در تلفیق هوشمند روش‌ها نهفته است.

References

- Aguilar, F. J. (1967). *Scanning the business environment*. Macmillan.
- Ahmadi, S. M., Khalili, A., & Kazempour, E. (2025). *Evolutionology of Theories in Educational Management Discipline in the Context of Technological Developments*. Islamic Azad University, Tonekabon Branch.
- Asadi, R., Rahn timer, M. R., & Kharazmi, O. A. (2022). Genealogical Futures Studies (A worthy approach in future study of geographical phenomena). *Journal of Arid Regions Geographic Studies*, 6(22), 54-71.
- Bell, W. (2003). *Foundations of futures studies: Human science for a new era* (Vol. 1). Transaction Publishers.
- Bennis, I., & Mouwafaq, S. (2025). Advancing AI-driven thematic analysis in qualitative research: a comparative study of nine generative models on Cutaneous Leishmaniasis data. *BMC Medical Informatics and Decision Making*, 25(1), 1-14.
- Bostrom, N., Dafoe, A., & Flynn, C. (2023). Policy implications of AI: A Delphi study on long-term impacts. *Futures*, 150, Article 103174. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2023.103174>
- Carvalho, M. M., Fleury, A., & Lopes, A. P. (2013). An overview of technology roadmapping. *Technological Forecasting and Social Change*, 80(7), 1418–1437. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2012.11.005>
- Choo, C. W. (2016). *The inquiring organization: How organizations acquire knowledge and seek information*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199782031.001.0001>
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2023). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (5th ed.). SAGE Publications.
- Daim, T. U., Oliver, T., & Kim, J. (2022). Technology forecasting and roadmapping for innovation. *Technological Forecasting and Social Change*, 174, Article 121245. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2021.121245>
- Denzin, N. K. (2012). Triangulation 2.0. *Journal of Mixed Methods Research*, 6(2), 80–88. <https://doi.org/10.1177/1558689812437101>
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2024). *The SAGE handbook of qualitative research* (6th ed.). SAGE Publications.
- Dreyfus, H. L., & Rabinow, P. (1982). *Michel Foucault: Beyond structuralism and hermeneutics*. University of Chicago Press. <https://doi.org/10.7208/chicago/9780226154534.001.0001>
- Fahey, L., & Narayanan, V. K. (1986). *Macroenvironmental analysis for strategic management*. West Publishing.
- Flick, U. (2022). *An introduction to qualitative research* (7th ed.). SAGE Publications.
- Forrester, J. W. (2007). System dynamics: The foundation under systems thinking. *System Dynamics Review*, 23(2–3), 213–218. <https://doi.org/10.1002/sdr.368>
- Foucault, M. (1970). *The order of things: An archaeology of the human sciences*. Pantheon Books.



- Foucault, M. (1972). *The archaeology of knowledge and the discourse on language*. Pantheon Books.
- Foucault, M. (1977a). *Discipline and punish: The birth of the prison* (A. Sheridan, Trans.). Vintage Books. (Original work published 1975)
- Foucault, M. (1977b). Nietzsche, genealogy, history. In D. F. Bouchard (Ed.), *Language, counter-memory, practice: Selected essays and interviews* (pp. 139–164). Cornell University Press.
- Foucault, M. (1978). *The history of sexuality, volume 1: An introduction* (R. Hurley, Trans.). Pantheon Books.
- Foucault, M. (1980). *Power/knowledge: Selected interviews and other writings, 1972–1977* (C. Gordon, Ed.). Pantheon Books.
- Foucault, M. (1984). *The Foucault reader* (P. Rabinow, Ed.). Pantheon Books.
- Garcia, M. L., Bray, O. H., & McGowan, D. (2021). Technology roadmapping for autonomous vehicles. *Journal of Technology Management & Innovation*, 16(2), 45–56. <https://doi.org/10.4067/S0718-27242021000200045>
- Gutting, G. (2005). *Foucault: A very short introduction*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/actrade/9780192805577.001.0001>
- Hickel, J. (2021). *Less is more: How degrowth will save the world*. Windmill Books.
- Hines, A., & Bishop, P. (2015). *Thinking about the future: Guidelines for strategic foresight* (2nd ed.). Hinesight.
- Inayatullah, S. (1998). Causal layered analysis: An integrated methodology for transformative futures. *Futures*, 30(8), 815–829. [https://doi.org/10.1016/S0016-3287\(98\)00096-8](https://doi.org/10.1016/S0016-3287(98)00096-8)
- Inayatullah, S. (2008). Six pillars: Futures thinking for transforming. *Foresight*, 10(1), 4–21. <https://doi.org/10.1108/14636680810855991>
- Inayatullah, S. (2015). *What works: Case studies in the practice of foresight*. Tamkang University Press.
- Inayatullah, S. (2024). Futures Studies: From perceived injustice to the transformational present. In *Handbook of futures studies* (pp. 98–116). Edward Elgar Publishing.
- Inayatullah, S., & Milojević, I. (2022). CLA 3.0: Thirty years of transformative research. Tamkang University Press.
- Inayatullah, S., & Milojević, I. (2023). Transformative futures and CLA: Ethics, justice, and deep participation. *Futures*, 148, Article 103123. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2023.103123>
- Jasanoff, S. (2016). *The ethics of invention: Technology and the human future*. W. W. Norton & Company.
- Karim, M. (2021). Understanding Foucault: The shift from archaeology to genealogy. *Journal of Research in Humanities and Social Science*, 9(9), 72–75.
- Koopman, C. (2011). Genealogical pragmatism: How history matters for Foucault and Dewey. *Journal of the Philosophy of History*, 5(3), 533–561.

- Kosow, H., & Gaßner, R. (2008). *Methods of future and scenario analysis: Overview, assessment, and selection criteria*. German Development Institute (DIE).
- Kristóf, T., & Nováky, E. (2023). The story of futures studies: An interdisciplinary field rooted in social sciences. *Social Sciences*, 12(3), 192. <https://doi.org/10.3390/socsci12030192>
- Linstone, H. A., & Turoff, M. (2010). *The Delphi method: Techniques and applications*. NJIT Press.
- Lorenzini, D. (2020). On possibilising genealogy. *Inquiry*, 67(7), 2175–2196. <https://doi.org/10.1080/0020174X.2020.1712227>
- Lyon, D. (2018). *The culture of surveillance: Watching as a way of life*. Polity Press.
- Makridakis, S., Taleb, N. N., & Vasilakis, G. (2020). Forecasting in the presence of uncertainty: The need for new approaches. *Futures*, 123, Article 102614. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2020.102614>
- Mbembe, A. (2019). *Necropolitics*. Duke University Press. <https://doi.org/10.1215/9781478007227>
- Morse, J. M. (2021). *Critical issues in qualitative research methods* (2nd ed.). Routledge
- Nietzsche, F. (1887). *On the genealogy of morality* (K. Ansell-Pearson, Ed., C. Diethe, Trans.). Cambridge University Press. (Published in English 1994)
- Omi, M., & Winant, H. (2014). *Racial formation in the United States* (3rd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203076804>
- Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., ... & Moher, D. (2021). The PRISMA 2020 statement: An updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372, n71. <https://doi.org/10.1136/bmj.n71>
- Paul, H. (2023). Genealogies of the Humanities: A vision for the field. *History of Humanities*, 8(2), 199–207. <https://doi.org/10.1086/726312>
- Phaal, R., Farrukh, C. J. P., & Probert, D. R. (2010). *Technology roadmapping: A practical guide for developing a strategic technology plan*. University of Cambridge Institute for Manufacturing.
- Porter, A. L., Cunningham, S. W., Banks, J., Roper, A. T., Mason, T. W., & Rossini, F. A. (2011). *Forecasting and management of technology* (2nd ed.). Wiley.
- Ramos, J. M. (2017). Cosmo-localism and the futures of material production. *Journal of Futures Studies*, 22(2), 65–84. [https://doi.org/10.6531/JFS.2017.22\(2\).A65](https://doi.org/10.6531/JFS.2017.22(2).A65)
- Ricoeur, P. (1981). *Hermeneutics and the human sciences*. Cambridge University Press.
- Rose, N. (2019). *Our psychiatric future*. Polity Press.
- Sardar, Z. (2010). The namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic; foresight—What's in a name? *Futures*, 42(3), 177–184. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2009.11.001>
- Sardar, Z., & Sweeney, J. A. (2016). The three tomorrows of postnormal times. *Futures*, 75, 1–13. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2015.10.004>



- Slaughter, R. A. (2004). *Futures beyond dystopia: Creating social foresight*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203465158>
- Sterman, J. D. (2010). *Business dynamics: Systems thinking and modeling for a complex world*. McGraw-Hill.
- Swyngedouw, E. (2023). The political ecology of climate justice. *Environment and Planning E: Nature and Space*, 6(2), 345–362. <https://doi.org/10.1177/25148486221123456>
- Taleb, N. N. (2010). *The black swan: The impact of the highly improbable* (2nd ed.). Random House.
- Tashakkori, A., Teddlie, C., & Wright, K. (2021). *The SAGE handbook of mixed methods research* (3rd ed.). SAGE Publications.
- van der Merwe, T. R. (2024). Crafting a Foucauldian genealogy method for analyzing curriculum-as-discourse in South Africa. *New Trends in Qualitative Research*, 20(4), e968. <https://doi.org/10.36367/ntqr.v20i4.968>
- Wahab, A. (2024). Two decades of causal layered analysis: a bibliometric analysis and review (2000–2022). *World Futures Review*, 16(3), 220-243.
- Wilkinson, A., & Eidinow, E. (2020). Evolving practices in scenario planning. *Futures*, 121, Article 102614. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2020.102614>
- Wright, D. L. (2002). Applying Foucault to a future-oriented layered analysis in a post-bubble Japanese community. *Futures*, 34(6), 523–534. [https://doi.org/10.1016/S0016-3287\(01\)00055-9](https://doi.org/10.1016/S0016-3287(01)00055-9)
- Wright, D. L. (2002). Applying Foucault to a future-oriented layered analysis in a post-bubble Japanese community. *Futures*, 34(6), 523-534.
- Yüksel, I. (2012). Developing a multi-criteria decision making model for PESTEL analysis. *International Journal of Business and Management*, 7(24), 52–66. <https://doi.org/10.5539/ijbm.v7n24p52>
- Zuboff, S. (2019). *The age of surveillance capitalism: The fight for a human future at the new frontier of power*. PublicAffairs.